

امروزه دیگر نمی‌توان با الگوی تقسیم متعارف جامعه به «وفادار، مخالف و میان» یا «سفید و سیاه و خاکستری» آن را درک کرد؛ درحالی‌که بخش مهمی از بدنه حاکمیت همچنان آشکارا یا ناآشکار با چنین رویکردی با جامعه روبه‌رو می‌شوند. شکاف‌های گوناگون در حال فعال‌تر شدن هستند. این شکاف‌ها گاهی یکدیگر را تشدید و گاهی همدیگر را فرسوده و خنثی می‌کنند.

اولویت‌گذاری خود را بازتعریف کند. گرچه در افق رهبری نظام، به‌ویژه در سی سال زعامت آیت‌الله خامنه‌ای پایه‌های مهم این امر نهاده شده است.

● شناخت علل ساختاری و عینی تضعیف انسجام اجتماعی و مهار آن نیز از دیگر مؤلفه‌های ضروری است. مواجهه دولت‌های بعد از جنگ با طرح‌های توسعه خود ضربه‌های سهمناکی به ریشه‌ها و پایه‌های ارزشی و فرهنگی انقلاب اسلامی وارد آورده‌اند. به‌طور خاص شهرسازی و توسعه زیرساخت‌های شهری و تأسیسات صنعتی پس از انقلاب، درست در مقابل بسط هویت منسجم ملی، دینی و انقلابی بوده است. به‌طور کلی بی‌توجهی به امر زیست‌بوم چه از حیث طبیعی و زیست‌محیطی و چه از حیث فرهنگی مشکله اساسی سیستم‌های توسعه در ایران بوده است.

در این عرصه محورهای مهم و اساسی برای مطالعه و سپس برنامه‌ریزی وجود دارد که البته تحقق این امر منوط است به تصمیم و اراده ملی در دولت و بلکه کل حاکمیت. اینکه ما تولید مسکن و شهرسازی را صرفاً ذیل اقتصاد - آن هم درکی عقب‌مانده و تک‌ساحتی از علم اقتصاد - تعریف نکنیم، خود بخشی از مسیر حل بحران است. تشکیل کمیسیون فرهنگی دولت می‌تواند به‌نحوه فرابخشی این امر را دنبال کند.

● شناخت و پایش روزآمد شکاف‌های متقاطع و چندلایه‌ای که جامعه ایرانی را از هرسو دستخوش تحول می‌کند: امروزه دیگر نمی‌توان با الگوی تقسیم متعارف جامعه به «وفادار، مخالف و میان» یا «سفید و سیاه و خاکستری» آن را درک کرد؛ درحالی‌که بخش مهمی از بدنه حاکمیت همچنان آشکارا یا ناآشکار با چنین رویکردی با جامعه روبه‌رو می‌شوند. شکاف‌های گوناگون چه در ساحت ارزشی و هویتی چه در عرصه نسلی چه در زمینه اقتصادی و طبقاتی و چه در حوزه قومیتی و زبانی و مذهبی در حال فعال‌تر شدن هستند. این شکاف‌ها گاهی یکدیگر را تشدید و گاهی همدیگر را فرسوده و خنثی می‌کنند.

به نظر می‌رسد الگوی اداره سیاست در ایران باید به سمت «مدیریت گوناگونی‌ها» پیش رود. ما دیگر با یک ملت یکپارچه یا امت واحده که آحاد مردمش از یک قبیل و قبیله باشند روبه‌رو نیستیم. هویت‌های گوناگون اگر به رسمیت شناخته نشوند، گرایش به واگرایی و مرکزگرایی را دامن می‌زنند. چگونه می‌توان در جهان هویت‌های سیال و متکثر از ایده «ملت» و دولت ملی پاسداری کرد؟ این پرسش مهمی است که باید سرفصل تأملات و پژوهش‌های ما باشد.

● شناخت و فهم تجارب حکمرانی سایر ملل و تطبیق آن با شرایط ایران خود می‌تواند یکی از مسیرهای مهم پیگیری موضوع باشد.

● به‌طور خاص یکی از زمینه‌های مهم و بسترهای اساسی که به این وضع دامن می‌زند، رسانه‌های نوظهور است. رسانه‌های جدید به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی بستر خلق هویت‌های سیال و متکثر و هدم مرجعیت‌های ریشه‌دار اجتماعی